



## Investigating Factors Influencing the Investment of Mashhad Merchants in Karakul Sheep Farming in Sarakhs during the Pahlavi Era

Ali Najafzadeh<sup>1\*</sup>

<sup>1\*</sup>- Assistant professor, Department of history, University of Birjand, Birjand, Iran.  
[anajaf@birjand.ac.ir](mailto:anajaf@birjand.ac.ir)

| Article Info   | ABSTRACT  |
|--|---|
| <b>Article type:</b><br><b>Research Article</b>                          | Sheep herding was the main occupation of nomads and some rural dwellers in Iran. Wool was one of the most important livestock products and a significant export commodity during the Qajar era. One of the finest types of wool originated from Karakul sheep in Sarakhs, where sheep farming was primarily conducted for the production of high-priced pelts. Numerous internal and external factors contributed to the flourishing of Karakul sheep breeding in Sarakhs. In addition to the locals, wool merchants like Kouzekonani, Kazarani, Amin-ol-Tajari, and some newly converted merchants such as the Aminaf brothers and Ebrahim Aghaiaf entered this sector. This study aims to address the following questions: What internal and external factors influenced the focus on Karakul sheep breeding in Sarakhs? What role did the merchants of Mashhad play in the proliferation of Karakul sheep and the production of lamb pelts? What were the causes of the decline and stagnation of this breed during the Pahlavi era? This research was conducted through library studies and in a descriptive manner. Records and documents indicate that the 1917 Russian Revolution led to the transfer of the geographical area for breeding Karakul sheep from Bukhara to Sarakhs and northern Afghanistan. The nationalization of Afghan trade in 1931 deprived Iranian merchants of the benefits of this trade, prompting a shift towards Karakul sheep farming. The booming pelts market in Germany, England, and America attracted prominent merchants such as Kouzekonani, Kazarani, the Aminaf brothers, Aghaiaf, and some locals in Sarakhs to engage in the breeding of Karakul sheep. This trend declined after September 1941. A reduction in the quality of lamb pelts, decreased exports, a lack of merchant investment, and outdated production methods contributed to the stagnation of Karakul sheep farming in the late Pahlavi era. |
| <b>Received:</b><br><b>27/08/2024</b>                                    |   |
| <b>Accepted:</b><br><b>28/10/2024</b>                                    |   |
| <b>Keywords:</b> Karakul sheep, Sarakhs, Pahlavi era, Mashhad merchants. |   |

**Cite this article:** Najafzadeh, Ali. (2024) "A Study of the Factors Affecting Mashhad Merchants' Investment in Kara-Gol sheep Breeding in Sarakhs Villages during the Pahlavi Period", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 2, No. 2, P: 41-68.

DOI: 10.30479/hvri.2025.20831.1044



© The Author(s).

**Publisher:** Imam Khomeini International University

**\*Corresponding Author:** Ali Najafzadeh

**Address:** Assistant professor, Department of history, University of Birjand, Birjand, Iran.

**E-mail:** [anajaf@birjand.ac.ir](mailto:anajaf@birjand.ac.ir)



## فصلنامه تاریخ روستا و روستائینی در ایران و اسلام

شاپا الکترونیکی: ۶۰۱۲-۳۰۶۰

سال دوم، دوره جدید، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳



### بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری تجار مشهد در پرورش گوسفند قره‌گل

#### در روستاهای سرخس دوره پهلوی

علی نجف‌زاده<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>- استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. [anajaf@birjand.ac.ir](mailto:anajaf@birjand.ac.ir)

| اطلاعات مقاله | چکیده   |
|---------------|---|
| نوع مقاله:    | گوسفندداری شغل اصلی عشایر و برخی از روستاییان ایران به‌شمار می‌آمد. پوست از مهم‌ترین محصولات دامی و از کالاهای مهم صادراتی دوره قاجار بود. یکی از مرغوب‌ترین نوع پوست‌ها از گوسفند قره‌گل در سرخس به‌دست می‌آمد؛ منطقه‌ای که گوسفندداری با هدف تولید پوست‌های گران‌قیمت انجام می‌گرفت. عوامل متعدد داخلی و خارجی باعث رونق گرفتن پرورش نژاد قره‌گل در سرخس شد. علاوه بر بومیان، تجار پوست نظیر کوزه‌کنانی، کارزانی، امین‌التجاری و برخی تجار تازه‌مسلمان نظیر برادران امین‌اف، ابراهیم آقایی‌اف وارد این حوزه شدند. این پژوهش که به روش توصیفی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده، در پی پاسخ به این پرسش است که عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر توجه تجار مشهد به پرورش گوسفند قره‌گل در روستاهای سرخس در دوره پهلوی چه بود؟ اسناد و مدارک نشان داد انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه باعث انتقال حوزه جغرافیای پرورش گوسفند قره‌گل از بخارا به سرخس و شمال افغانستان شد. دولتی شدن تجارت افغانستان در سال ۱۳۱۰ش باعث محرومیت تجار ایرانی از منافع این تجارت و گرایش به پرورش گوسفند قره‌گل شد. رونق گرفتن بازار پوست در آلمان، انگلستان و آمریکا باعث توجه تجار مهمی چون کوزه‌کنانی، کارزانی و برادران امین‌اف، آقایی‌اف و برخی از بومیان سرخس به پرورش نژاد قره‌گل شد. |
| دریافت:       |   |
| ۱۴۰۳/۰۶/۰۶    |   |
| پذیرش:        |   |
| ۱۴۰۳/۰۸/۰۷    |   |
| واژگان کلیدی: | گوسفند قره‌گل، سرخس، دوره پهلوی، تجار مشهد.   |

استناد: نجف‌زاده، علی، (۱۴۰۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری تجار مشهد در پرورش گوسفند قره‌گل در روستاهای سرخس دوره پهلوی»، تاریخ روستا و روستائینی در ایران و اسلام، سال دوم، شماره دوم، ص: ۶۸-۷۱.

DOI : 10.30479/hvri.2025.20831.1044



حق مؤلف ©نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## مقدمه

گوسفندداری یا رمه‌داری شغل اصلی عشایر است. علاوه بر آنان، برخی از روستاییان نیز در کنار کشاورزی به دامپروری می‌پردازند. در بیشتر مناطق ایران از جمله شمال خراسان، به‌ویژه سرخس از گذشته‌های دور گوسفندداری رواج داشت؛ شغلی که محصولات مختلف دامی تولید می‌کرد که علاوه بر تأمین نیازهای اولیه بومیان، بخشی از آن نیز صادر می‌شد. پوست یکی از محصولات دامی بود که گوسفندداران سرخس از دوره پهلوی گرایش زیادی به تولید آن داشتند؛ چون پوست گوسفند و بز از کالاهای مهم صادراتی ایران در دوره قاجار و پهلوی بود. بهترین و باکیفیت‌ترین پوست‌ها پس از کشتار بره به دست می‌آمد که در دوره قاجار بیشتر به روسیه صادر می‌شد. مهم‌ترین پوست بره متعلق به گوسفندان قره‌گل بود که شهرت جهانی داشت و در قره‌گل بخارا تولید می‌شد. دامنه پرورش این نژاد از گوسفندان از اواخر دوره قاجار به خراسان و شمال افغانستان توسعه پیدا کرد. سرخس از اوایل دوره پهلوی به یکی از مهم‌ترین قطب‌های تولید پوست بره قره‌گل تبدیل شد. این پوست‌ها ابتدا به لایپزیک آلمان و سپس به لندن و آمریکا صادر می‌شد. اهمیت صادراتی پوست بره قره‌گل باعث توجه بیشتر به کمیّت و کیفیت آن در دوره پهلوی اول شد، به طوری که اقدامات مهمی از سوی تجار خراسان، دامداران بومی سرخس و حتی املاک اختصاصی فریمان برای ترویج پرورش آن انجام گرفت که به تکثیر این نژاد و تولید قابل توجه پوست بره منجر شد. هدف پژوهش حاضر این است که به این سؤالات پاسخ دهد:

- عوامل مؤثر بر پرورش گوسفند قره‌گل در سرخس دوره پهلوی چه بود؟

- تجار مشهد چه نقش و جایگاهی در تولید پوست گوسفند قره‌گل داشتند؟

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره پرورش گوسفند قره‌گل انجام گرفته‌است، اما بیشتر آن‌ها در حوزه ژنتیک و عوامل مؤثر بر آن بوده که نگارندگانشان پژوهش‌گران رشته‌های علوم دامی بودند و لذا در آن‌ها کمتر به جنبه‌های اقتصادی و تاریخی پرداخته شده است. مهم‌ترین پژوهش با رویکرد تاریخی از سید رحمان حسینی (۱۳۸۸) با عنوان «نگاهی به تجارت پوست میان ایران و روس در عصر قاجار (برپایه اسناد وزارت خارجه ایران؛ ۱۲۴۳-۱۳۲۷ق. / ۱۸۲۸-۱۹۰۹م.)» است

که صادرات پوست به روسیه را تا انقلاب مشروطه بررسی کرده، ولی اشاره بسیار کمی به تجارت پوست در خراسان و به‌ویژه پوست قره‌گل سرخس داشته است.

عبدالرضا حسینی ابریشمی (۱۳۵۴) نیز در پایان‌نامه *مطالعه وضع پرورش و صنایع گوسفند در منطقه مشهد و اطراف آن* به معرفی ویژگی‌های پوست قره‌گل پرداخته، ولی به پرورش‌دهندگان و عوامل مؤثر بر آن و نقش تجار اشاره‌ای نکرده است.

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های تاریخی است که براساس مطالعات کتابخانه‌ای و با تکیه بر اسناد و مطبوعات انجام گرفته است. داده‌های این پژوهش بیشتر مستند به اسناد مرکز اسناد آستان قدس، سازمان اسناد ملی و اسناد وزارت امور خارجه است که پس از طبقه‌بندی اسناد و مدارک به شیوه توصیفی - تحلیلی فضای روشنی از فرازوفرود پرورش گوسفند قره‌گل در سرخس و جایگاه تجار مشهد در آن ارائه شده است.

#### ۱. سابقه تولید پوست بره در خراسان

خراسان از لحاظ جغرافیایی شرایط مساعدی برای پرورش گوسفند داشت و یکی از مراکز مهم صادرات پوست در دوره قاجار و پهلوی محسوب می‌شد که عایدات زیادی برای دولت داشت. انحصار صادرات پوست ایران در زمان استبداد صغیر از طرف محمدعلی‌شاه به علی‌اف، تبعه روس، از قرار سالی ۱۰۰۰۰۰ تومان واگذار شد. انجمن ایالتی خراسان به این مسئله واکنش نشان داد (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۴۴) که نشان‌گر جایگاه خراسان در این تجارت است. پوست‌های صادراتی ایران از نوع کارنکرده بره معروف به پوست بغدادی، پوست خشک یا نمکین و پوست کارکرده شامل رنگ خالص شده لاک‌گرفته، رنگ و روغن شده و پوست دباغی شده و چرم بود (همان: ۲۹).

بره‌کشی در خراسان با هدف تولید پوست انجام می‌گرفت. طبق گزارش عبدالله قاجار، در شیروان بره‌کشی و تجارت پوست بره مرسوم بود و از ۲۰ روز مانده به بهار روزی ۵۰۰ تا ۶۰۰ بره کشتار می‌شد. این پوست‌ها به عشق‌آباد و از آنجا به حاجی ترخان حمل می‌شدند (ساکماق، ۱/۷۵۶۸).

رونق بره‌کشی پیامدهای منفی نظیر اثر منفی بر بازار گوشت داشت؛ به همین دلیل وکلای بلدیة مشهد در جلسه ۱۲ صفر ۱۳۲۸ ق. درباره آن مذاکره کردند (بلدالامین، ۲۷ صفر ۱۳۲۸: ش ۶، ص ۱). در این گزارش‌ها به نژاد قره‌گل اشاره نشده است که نشان‌گر عدم پرورش این نژاد در سرخس است. شواهد مختلف دیگری نشان می‌دهند که پس از انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ م. پرورش گوسفند قره‌گل در خراسان رواج یافت.

## ۲. پرورش گوسفند قره‌گل در بخارا

درباره منشأ نژاد گوسفند قره‌گل بیشتر به کراکول یا قره‌گل بخارا اشاره می‌شود، ولی فتح‌الله پاکروان، استنادار خراسان، در گزارش خود نژاد گوسفند قره‌گل را ایرانی می‌داند که در زمان‌های قدیم (شاید ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال قبل) توسط اهالی بخارا از شیراز به بخارا منتقل شد و در هشت فرسخی بخارا در محلی موسوم به قره‌گل نگهداری و تکثیر شد. مساعدت آب‌وهوا و علوفه آن حدود پوست بره این گوسفند را مرغوب کرد. دولت بخارا با درک اهمیت این نوع گوسفند پرورش آن را در تمام نقاط بخارا تعمیم داد. بعد از شهرت این پوست سایر گوسفندداران بخارا از قره‌گل قوچ می‌بردند و اشخاص بصیر آن‌ها را تربیت و برای تکثیر آن کوشش کردند. در ابتدا مشکلاتی چون کمی قوچ وجود داشت (ساکماق، ۱۱۱۵/۸)، ولی به تدریج دامنه جغرافیایی پرورش آن گسترش بیشتری یافت.

پوست قره‌گل در اوایل دوره قاجار یکی از کالاهای مهم صادراتی بخارا به ایران بود که در تهران و مشهد به خاطر کیفیت خوب آن استفاده می‌شد و از آن کلاه می‌ساختند. وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۰ ق. از کالاهای قافله بخارا به ارض اقدس گزارش داده که ۱۲۰ شتر بار پوست بخارا و سایر کالاهای به مشهد حمل می‌کردند (وقایع اتفاقیه، ۲۹ ذیقعد ۱۲۷۰: ش ۱۸۶، ص ۲).

دامنه پرورش گوسفند قره‌گل به بخارا محدود نماند و به ایران و افغانستان رسید. علاقه‌مندان به این کار از سرحدات ایران از قهقهه، دوشاخ، تخته بازار، پنده (پنج‌ده)، یولاتان و مرو گوسفند به بخارا و اطراف آن برده و به ترتیب معمول خودشان از این گوسفندها تخم قره‌گل به عمل آوردند.

علاوه بر این، اهالی مناطق یادشده به فکر افتادند که از بخارا قوچ‌های تخمی و اشخاص بصیر برای تربیت آورده و شروع به تکثیر گوسفند قره‌گل کنند. در آن زمان علیخان‌نامی از طرف دولت تزاری روسیه حاکم مرو بود که اشخاص را به این کار تشویق می‌کرد، به طوری که پرورش گوسفند قره‌گل به زودی توسعه یافت و اهالی پنج‌دهه و مرو پوست‌های خود را به بخارا حمل و در آنجا دو دهم کمتر از قیمت پوست بخارا می‌فروختند. تجار بخارا هم در موقع فروش ۱۰ درصد از این پوست‌ها را با پوست قره‌گل بخارا جور کرده و می‌فروختند (ساکماق، ۱۰۱۱۱۵/۸).

در زمان وزارت جان‌میرزا قوش‌بیگی و آستانقل قوش‌بیگی بر بخارا حدود سال ۱۳۲۰ق. سید هاشم حامدزاده مشهور به بخارایی، مدتی مسئول امور گوسفند قره‌گل بود. براساس آمار دفتر حکومتی سالانه دو میلیون و ششصد هزار پوست قره‌گلی در بخارا تولید می‌شد (همان: ۷). همسایگان بخارا از مرو، تجن، چهارجوی، ترکمنستان و آخال که به فواید این جنس پی بردند، به دلیل همجوار بودن به سهولت گوسفند مزبور را به حدود قلمرو خود بردند و از آن استفاده کردند، به طوری که پیش از جنگ جهانی اول دوونیم میلیون عدد پوست بره از بخارا و حدود اطراف آن به اروپا حمل می‌شد و عایدات قابل توجهی نصیب آن منطقه می‌کرد (همان: ۸). در این زمان برخی تجار ایرانی فعال در آسیای مرکزی به دادوستد پوست قره‌گل مشغول شدند. مهم‌ترین نمونه آنان، حاج کاظم کوزه‌کنانی بود که قبل از سال ۱۹۲۳م. / ۱۳۰۲ش معامله‌ای با ویدینسکی، کنسول تزار روس در تاشکند، انجام داد و صد هزار پوست قره‌گل بخارایی معروف به «تاقر» خرید و آن‌ها را به لندن حمل کرد و دانه‌ای دو لیره فروخت (فتحی، ۱۳۵۲: ۶۴۶).

### ۳. عوامل مؤثر بر گسترش پرورش گوسفند قره‌گل در سرخس

از اواخر دوره قاجار عوامل مختلف خارجی باعث شد که به تولید و صادرات پوست قره‌گل در سرخس توجه شود. انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه مهم‌ترین عامل خارجی بود که حوزه جغرافیایی پرورش گوسفند قره‌گل را تغییر داد. بعد از انقلاب روسیه که حکومت مستقل بخارا و متصرفات روسیه در مرو و حدود آن به دست بلشویک‌ها افتاد، خللی در تربیت گوسفند قره‌گل ایجاد شد

و قسمتی از عشایر آنجا با اغنام خود به خاک ایران وارد شدند. سید هاشم بخارایی از گرفتاری اهالی و فرار برخی از آن‌ها در موقع تسلط بلشویزم یاد کرده که باعث شد پرورش گوسفند قره‌گل کاهش یابد و تولید پوست بره در اطراف بخارا به تدریج رو به انحطاط رود، ولی در مناطقی مثل پنج‌ده، یولاتان و مرو، اهالی گوسفندان و اموال خود را به قدری که ممکن بود، به ایران و سایر نقاط انتقال دادند. از جمله قوچ‌ها و گوسفندانشان را از سرحدات ایران عبور داده و فروختند. اهالی سرخس نیز از این گوسفندها خریداری کرده و به فکر تولید پوست قره‌گل افتادند، ولی چون اشخاص با بصیرت و خبره نداشتند، آن‌طور که باید و شاید، نتوانستند آن را به حد کمال تولید کنند (ساکماق، ۱۰۱۱۱۵/۸).

همچنین به دلیل بی‌اطلاعی اولیای مناطق مرزی، از طرف دولت وقت ایران از ورود ایلات ممانعت شد و بخشی که وارد ایران شده بودند، متفرق شده و از میان رفتند. برخی از ایلات مهاجر که ورود خود را به ایران ممتنع دیدند، به سوی افغانستان رفتند و آنجا را موطن ثانوی گوسفند قره‌گل قرار دادند و در حدود مزار شریف، آندخوی، شبورغان و غیره متمرکز شدند (همان). یکی دیگر از عللی که باعث شد گوسفند قره‌گل در افغانستان پرورش یابد، نزدیکی بخارا به سرحدات آن بود؛ به همین دلیل نژادهای گوسفند قره‌گل بخارا را به سرحدات شمال افغانستان بردند و اشخاص بصیر در آن حدود گرفته و آب و علف آن نقاط هم با پرورش گوسفند قره‌گل موافقت داشت؛ از این رو، نژاد قره‌گل رو به ازدیاد گذاشت و در آن حدود بهترین گوسفند قره‌گل پرورش یافت (همان).

رونق بازار اروپا یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رونق گرفتن پرورش گوسفند قره‌گل در سرخس بود. گزارش یدالله خسروی راجع به تجارت پوست‌های گرانبهای ایران در آلمان که توسط بوذجمهری به هیئت اتحادیه تجار مشهد نوشته و در ۹ آبان ۱۳۰۸ ش منتشر شد، نشان می‌دهد لایپزیک از مراکز عمومی فروش پوست خردار و غیره بود و ایران برای تجارت پوست یگانه مرکز عمده محسوب می‌شد. پوست‌های بره نسبتاً جالب توجه و دارای اهمیت که مخصوص مشهد بودند و پوست بخارایی نامیده می‌شدند، خریداران خوبی داشتند. پوست‌های رنگ سیاه اعلی را

تا چهار دلار می‌خریدند. پوست ساده مخملی پنج دلار قیمت داشت. پوست قهوه‌ای خیلی خوش‌رنگ فوق‌العاده جالب‌توجه را تا پنج دلار ممکن بود به فروش برسانند، ولی این پوست‌ها باید دارای بوته‌های برجسته می‌بودند. فروش پوست‌های با بوته کوچک غیرممکن بود. خسروی توجه اولیای امور را به ترویج و ترقی جنس پوست قره‌گل جلب و اظهار امیدواری کرد که با مساعی اولیای امور تجارت پوست ایران اهمیتی کسب کرده و این صادرات مهم از بین نرود؛ زیرا پوست‌های قره‌گل افغان را خیلی زود به قیمت ۱۰ دلار می‌خریدند، ولی پوست‌های بسیار عالی مشهد بیش از چهار دلار به فروش نمی‌رسید. خسروی پیشنهاد داد اگر گوسفند از افغانستان به ایران آورده و جفت‌گیری کنند، بدون تردید عین بره‌های قره‌گل افغانی و بخارایی در ایران تولید می‌شود. اگرچه این اقدام مستلزم زحمت و مخارج گزاف بود، ولی در مقابل منافع افزون‌تری داشت (بهار، ۱۳۰۸/۰۸/۰۹، ش ۵۶۰، ص ۴).

شاید بعد از این پیشنهادها و رونق بازار اروپا بود که در مشهد تجار به وارد کردن گوسفند قره‌گل و پرورش آن روی آوردند.

سیاست تجاری افغانستان یکی دیگر از عوامل مؤثر بر ورود تجار خراسان به حوزه پرورش گوسفند قره‌گل بود. تجارت پوست قره‌گل در افغانستان در اختیار تجار ایرانی بود، ولی از حدود ۱۳۱۱-۱۳۱۰ش افغان‌ها دست تجار ایرانی را از این معامله پرمفعت کوتاه کردند و به خود اختصاص دادند (ساکماق، ۹/۹۹۱۳۵). طبق نامه پنجم آذر ۱۳۱۴ش پاکروان، والی خراسان، عده‌ای از تجار تازه‌مسلمان خراسان را به همدستی چند نفر از تجار ترک ساکن خراسان بصیرت به عمل آوردن پوست مزبور و تجارت واداشته و کلیه پوست‌های افغانی را خریده و پس از عملیاتی آن را عددی یک تا دو پوند و ۱۰ شلینگ به فروش می‌رساندند. دولت افغانستان از سال ۱۳۱۲ش عایدات کلی از تجارت پوست کسب کرد و در سال ۱۳۱۳ش معادل یک تا یک‌ونیم میلیون پوست قره‌گل صادر کرد و حداقل به قیمت ۱۲ میلیون تومان فروخت (همان، ۱۰۱۱۱۵/۱۲).



این سیاست تأثیری منفی بر تجارت ایران و پوست قره‌گل ایرانی گذاشت. کارکنان دولت افغانستان، چه از حیث به عمل آوردن پوست و چه از حیث تجارت آن، اطلاعات و بصیرت تجار ایرانی را نداشتند؛ به همین دلیل قیمت پوست قره‌گل افغانستان کاهش کلی پیدا کرد، به طوری که در سال‌های بعد هر پوستی را از ۱۰-۱۵ شلینگ بیشتر نفروختند و از این بُعد نقص زیادی متوجه عایدات آن دولت شد. به همان نسبت پوست قره‌گل ایرانی که پست‌تر از پوست قره‌گل افغانستان بود، تنزل فاحشی کرد، به طوری که اجناس سال ۱۳۱۴ش تا آبان‌ماه آن سال به فروش نرسیده بود (همان). محرومیت تجار ایرانی از فواید تجاری پوست افغانستان و زیان‌هایی که از این طریق به منافع آنان وارد شد، یکی از علل مهم توجه تجار خراسان به پرورش گوسفند قره‌گل در سرخس بود.

برخی عوامل داخلی نیز به این روند کمک کرد. علاوه بر پیشنهاد یدالله خسروی در سال ۱۳۰۸ش. محمدولی اسدی، نائب‌التولیه آستان قدس، در دوم مرداد ۱۳۱۳ش به اداره کل تجارت نوشت که از چهار سال قبل درصدد برآمده که با تشویقاتی توالد گوسفند قره‌گل را در سرخس معمول سازد و اقداماتی انجام دهد. وی نتیجه این امر را نسبتاً رضایت‌بخش توصیف کرد. با اینکه در ۳۰ سال گذشته صادرات پوست قره‌گل از سرخس به هزار جلد نمی‌رسید، ولی در این سال به ۳۵ هزار جلد افزایش یافت. در صورتی که با این مقیاس ترقی می‌کرد، نتایج عالی به دست می‌آمد (ساکماق، ۱۳۵/۹۹).

سید هاشم حامدزاده بخارایی نیز با توجه به تجربیات پرورش گوسفند قره‌گل در سال ۱۳۱۴ش پیشنهاد داد هرگاه بخواهیم در ایران این کار را ترویج دهیم، در صورت توافق هیئت دولت، باید نژاد اصیل گوسفندهای قره‌گل را از بخارا یا افغانستان آورد و به تهیه پوست آن‌ها پرداخت. چنانچه هیئت دولت موافقت نمی‌کرد، ممکن بود همان قوچ‌ها و گوسفندهای موجود در سرخس را تحت سرپرستی اشخاص بصیر پرورش داد تا به تدریج رو به ازیاد رود و در مدت کمی در اغلب نقاط ایران این کار ترویج و عملی شود. او در قسمت دیگری از گزارش خود آورده که اگر

اشخاص بصیر را برای این کار نامزد کنند و به ایران بیاورند، در ایران هم از همان تخم و همان پوست به‌خوبی به عمل خواهد آمد (همان، ۱۰۱۱۱۵ / ۸).

سرخس به‌دلیل موقعیت آب‌وهوایی، پوشش گیاهی و نزدیکی آن به روسیه، مرکز ثقل پرورش گوسفند قره‌گل بود. پاکروان درباره مناطقی که قابلیت نگهداری گوسفند قره‌گل داشتند، برای وزارت دربار نوشت فعلاً بهترین نقطه سرخس است؛ برای اینکه: اولاً اهالی آنجا طی چند سال برای پرورش قره‌گل تجاربی کسب کرده‌اند و اگرچه تخصص بخارایی‌ها و افغان‌ها را نداشتند، ولی از حیث تجربه بهتر از حشم‌دارهای سایر نقاط ایران اطلاع داشتند؛ ثانیاً از نظر اراضی خاک آنجا ماسه‌ای بود و در خود چاه‌هایی داشت که برای سیراب کردن گوسفندان در صحراها حفر می‌شد و در هفت هشت زرعی آب داشت و آبش در نهایت خوشگوار بود؛ ثالثاً، علف آنجا فراوان بود، به‌طوری‌که اگر در مهر، آبان و آذر بارندگی می‌شد، برای زمستان هم علف فراوان داشت که برای گوسفند قره‌گل لازم بود؛ رابعاً، از حیث آب‌وهوا با ترکمنستان مشابه بود و برای تربیت قره‌گل منتهای مساعدت را داشت. بعد از سرخس در درجه اول خوزستان و شیراز و در درجه دوم قم، ساوه و زرنند مساعد بودند (همان، ۱۰۱۱۱۵ / ۲۴).

بعد از چندی که اهالی سرخس به‌دلیل همجواری با خاک ترکمنستان از فواید تکثیر گوسفند قره‌گل مطلع شدند، در صدد وارد کردن این نوع گوسفند حتی به‌صورت قاچاقی برآمدند و اشخاصی هم آنان را به این کار ترغیب کردند (همان: ۱۰). این پرورش‌دهندگان بومی پس از تولید، محصولات خود را به تجار تازه‌مسلمان می‌فروختند، ولی از سال ۱۳۱۰ش تجار مشهد به‌طور مستقیم در این حوزه سرمایه‌گذاری کردند.

#### ۴. گرایش تجار مشهد به پرورش گوسفند قره‌گل

با توجه به تغییر وضعیت سیاسی و اقتصادی در روسیه و افغانستان برخی از تجار صادرکننده پوست در مشهد علاوه بر دستمزد کاری و صادرات، به پرورش گوسفند قره‌گل روی آوردند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف که البته سود بیشتر و زحمت کمتری داشت، به پرورش گوسفند

و تولید پوست بره علاقه نشان دادند و در این زمینه سرمایه‌گذاری کردند. برخی از آنان حتی در همین راستا در منطقه سرخس املاکی خریدند. حاج کاظم کوزه‌کنانی، حاج علی کازرانی، حاج ابراهیم امین‌اف، ابراهیم آقائی‌اف و برخی دیگر از تجار تازه‌مسلمان مهم‌ترین فعالان حوزه پوست گوسفند قره‌گل در سرخس بودند.

صادرات پوست بره قره‌گل یکی از حوزه‌های فعالیت حاج کاظم کوزه‌کنانی بود. او پیش از مهاجرت به خراسان در زمینه تجارت پوست گوسفند قره‌گل ترکستان فعالیت می‌کرد و ارزش مادی آن را به‌خوبی درک کرده بود. کوزه‌کنانی در سال ۱۳۰۸ش یکی از پنج تاجر مهم در زمینه صادرات خز بود (استادوخ، ۱۳۰۸: کارتن ۲۶، پوشه ۳/۵۲). او براساس این تجربیات در منطقه سرخس املاکی خریداری کرد و به پرورش گوسفند پرداخت. او در سال ۱۳۱۰ش تعداد ۱۲۰۰ رأس گوسفند نژاد بخارایی وارد ایران کرد و در بغبغو، ملک شخصی‌اش نزدیک سرخس، نگهداری کرد. او هر سال مقدار زیادی پوست بره اعلی به‌دست می‌آورد که جلدی تا ۱۲ تومان به فروش می‌رسید. کوزه‌کنانی سه سال بعد قصد داشت طرح بزرگ اقتصادی‌اش را برای تولید و صادرات پوست قره‌گل توسعه دهد. این بار برنامه‌اش وارد کردن گوسفند از اندخوی افغانستان بود.

در همین راستا، در ۲۲ خرداد ۱۳۱۳ش پیشنهادش را به اداره کل صناعت و فلاحت ارائه داد. او در نظر داشت پنج هزار رأس گوسفند تخمی افغانستان برای تولید پوست وارد کند و در ۱۹ خرداد ۱۳۱۳ش به رئیس‌الوزرا نوشت با توجه به اینکه از نقطه‌نظر بسط و توسعه پوست قره‌گل در ایران که یکی از ارقام صادراتی مهم ایران است، در نظر دارد پنج هزار رأس گوسفند تخمی بخارا از اندخوی افغانستان خریداری و به ایران وارد کند؛ زیرا پوست گوسفند اندخوی نظیر پوست‌های قره‌گل ترکستان روسیه بود. او اعلام کرد با همین مقدار گوسفند می‌توان در مدت چند سال با رسیدگی و تکثیر آن‌ها پوست گوسفندهای خراسان را هم نظیر پوست قره‌گل ترکستان تولید و از این راه کمکی به صادرات ایران کرد. مشکل طرح کوزه‌کنانی ممانعت دولت ایران از واردات گوسفند از هرات بود. او تصور نمی‌کرد موافقت دولت با واردات گوسفند از هرات مانع و ضرر اقتصادی داشته باشد، بلکه برعکس معتقد بود این‌گونه واردات منافع مهمی برای صادرات

ایران در آینده فراهم خواهد کرد. او براساس تجربیات پرورش گوسفند از رئیس‌الوزرا تقاضا کرد به ادارات مربوط دستور دهد که از ورود پنج هزار رأس گوسفند او ممانعت نکنند تا وی بتواند در آینده نزدیک هر ساله مقدار زیادی پوست صادراتی تهیه و به اقتصاد مملکت کمک کند. اداره کل صنایع با این پیشنهاد موافق بود و اعلام کرد که نه‌تنها برای ورود گوسفند مانعی وجود ندارد، بلکه از این قبیل اقدامات تقدیر می‌کند و ضمن قدردانی از زحمات کوزه‌کنانی حتی تقاضا کرد وضعیت گوسفندان بخارایی را که چند سال قبل وارد کرده بود، از لحاظ ویژگی پوست، پشم و تغییراتی که حاصل شده، اطلاع دهد (ساکما، ۳۱۰/۲۵۲۴۶: ۱ و ۲).

کوزه‌کنانی تاجری بین‌المللی بود که برای پرورش گوسفند قره‌گل چندین مزرعه در مسیر کشف‌رود خرید. مزرعه بغغو به انضمام مزارع کلاته حاج محمدعلی معروف به درخت سنجد، بند شاه‌محمد و هفت سهم و نیم از ۱۲ سهم سه‌کوته متصل به یکدیگر متعلق به کوزه‌کنانی بود (ساکما، ۱/۸۱۱۴۷). حاج کاظم کوزه‌کنانی در سال ۱۳۱۶ش درگذشت و پسرانش حاج خلیل‌آقا و اسمعیل‌آقا کوزه‌کنانی تا ۲۰ آبان ۱۳۲۳ش که این املاک را به آستان قدس فروختند (احتشام کاویانیان، ۱۳۵۵: ۵۷۰)، این راه را ادامه دادند.

حاج علی کازرانی یکی دیگر از تجار بزرگ مشهد بود که به‌دلیل درک اهمیت تجاری پوست قره‌گل به تولید آن پرداخت. او در ۲۴ تیر ۱۳۱۳ش به محمدولی، نائب‌التولیه آستان قدس، علت ورود به حوزه پرورش گوسفند قره‌گل را فقدان رونق تجارت در خراسان بیان کرد؛ به همین سبب او در صدد برآمد برای تولید پوست قره‌گل که از چندی پیش مشغول آن بود، ۲۵۰-۲۰۰ رأس قوچ از سمت روسیه و افغانستان وارد کند. چون فواید این کار در این زمان مشخص، بی‌شمار و انکارناپذیر بود، او تقاضا کرد از مقامات راجع به این امر اجازه گرفته شود که موقع ورود گوسفندان مأموران سرحدی ممانعت نکنند تا باعث حصول امتنان و انتفاع عظیم شود (ساکما، ۹۹۱۳۵/۱۰).

اسدی این درخواست را در دوم مرداد ۱۳۱۳ش برای وزیر مالیه فرستاد و نوشت فعلاً بعضی از تجار مشهد در صدد برآمده‌اند که در نقاط دیگر خراسان نیز تکثیر گوسفند قره‌گل را معمول دارند

و در نتیجه محتاج‌اند تعدادی قوچ قره‌گل از افغانستان وارد کنند. اگرچه وارد کردن آن با مقررات افغانستان خالی از اشکال نبود، اما خود تجار راه‌هایی برای موفقیت در این زمینه داشتند و تقاضا کردند تا آن اداره موافقت کند موانع داخلی ایران مرتفع شود و در سرحد از ورود قوچ قره‌گل افغانستان به‌عنوان جواز ورود و غیره ممانعتی نکنند و ورود آن آزاد باشد. با توجه به اینکه این عمل متضمن منافعی برای مملکت بود، او درخواست کرد با مطالعات لازم جواب این تقاضا را به‌طور تلگرافی اعلام کنند تا موقع عبور دادن قوچ‌ها از خاک افغانستان به سرحد ایران به اشخاصی که این تقاضا را کرده بودند، ابلاغ شود (همان، ۹/۹۹۱۳۵).

علی‌اصغر امین‌التجاری نیز در ملک‌آباد گوسفند قره‌گل پرورش می‌داد و قصد داشت در سال ۱۳۱۷ش با املاک اختصاصی فریمان در این زمینه مشارکت کند. او تجربیات زیادی در این زمینه کسب کرده بود (همان، ۱۰۲۴۹۲/۳-۵).

علاوه بر تجار مسلمان برخی از تجار تازه‌مسلمان نیز وارد حوزه پرورش گوسفند قره‌گل شدند. حاج ابراهیم امینی کردوانی از مهم‌ترین تجار فعال در این زمینه بود. تجارت‌خانه امین‌اف در سال ۱۳۰۴ش به تجارت پوست بره، روباه و گوسفند اشتغال داشت (استادوخ، سال ۱۳۰۴ش: کارتن ۳۸، پوشه ۶۴، ص ۴۷). آنان قوچ‌ها و گوسفندهای قره‌گل را از روسیه و بخارا به سرخس آوردند و به پرورش آن‌ها پرداختند و در سال ۱۳۱۲ش ۱۳ هزار جلد پوست تولید کردند که هر جلد در بازار لندن و نیویورک، ۱۰ تومان خریدار داشت (بهار: شماره ۱۶۶۷، ص ۲). به‌دلیل پرورش گوسفند قره‌گل قبایل منطقه موسی‌آباد نیز ثروتمند شدند؛ چون امین‌اف در این منطقه دارای ملک و آبادی بود (حقایق شهرپور: جزوه ۸/۲۰۴).

ابراهیم آقایی‌اف یکی دیگر از تجار تازه‌مسلمان بود که در زمینه پرورش گوسفند قره‌گل فعالیت می‌کرد و در سال ۱۳۱۳ش از هیئت وزرا درخواست جواز ورود ۶۰۰ رأس قوچ و گوسفند قره‌گل از افغانستان کرد که مجوز آن صادر شد (ساکما، ۴۸۳۸۸/۳۱۰: ۲).

تجار تازه‌مسلمان مشهد عمده‌ترین فعالان حوزه صادرات پوست قره‌گل سرخس بودند. این مسئله به موقعیت اقتصادی و فعالیت صادراتی آنان مربوط می‌شد. فهرستی از ۱۵ تاجر مهم پوست

فروش در سال ۱۳۰۸ش نشان می‌دهد که دو سوم آنان در مشهد فعالیت می‌کردند و بیشتر آنها تازه‌مسلمان بودند. عبدالصمد اسحاق‌اف، برادران نبی‌اف، برادران نصرالله‌اف، برادران حسین‌اف، برادران امین‌اف، برادران حسن‌اف، عبدالرحیم یعقوب‌اف، شکرالله عزیزالله‌اف، برادران نصیری‌کوف و حاج عبدالرحیم عظیم‌زاده، مهم‌ترین تجار پوست مشهد بودند (استادوخ، ۱۳۰۸ش: کارتن ۲۶، پوشه ۵۲، ۳).

یعقوب آقاجان‌زاده، شکرالله زر، حبیب‌الله سلیمان‌زاده، یعقوب موسی‌زاده، رحمت‌الله‌زاده، داود سلیمان‌زاده، لطف‌الله ابراهیم‌زاده، ابراهیم اسماعیل‌زاده، عزیزالله آقاجان‌زاده، مجید یعقوب‌زاده و موسی جوادزاده از تجار تازه‌مسلمان فعال در تولید و خرید و فروش پوست قره‌گل سرخس بودند. آنان در سال ۱۳۱۴ش مدعی بودند در رقابت با قره‌گل افغانستان و ترکستان فداکاری‌های بی‌شماری برای ایجاد نسل قره‌گل در خراسان و ناحیه سرخس کرده و در این راه متحمل خسارت شده‌اند و با قیمت‌های گزاف از خارج قوچ قره‌گلی وارد کرده‌اند و در نتیجه این زحمات پوست قره‌گل را از صفر به ۷۰ هزار جلد رسانده‌اند (ساکما، ۱۸۲۹۱/۰۲۴۰: ۱۱ و ۱۲).

طبق گزارش کمیسر سرحدی سرخس و کلات در سال ۱۳۱۴ش علاوه بر این، هر کدام از آنان از دو سال قبل علاوه بر خریدهایشان دارای یک رمه گوسفند قره‌گل شده بودند تا دیگر از خریداری پوست از مالدار بی‌نیاز شوند (همان).

##### ۵. رویکرد تجار تازه‌مسلمان در قبال دامداران سرخسی

تجار تازه‌مسلمان از عمده‌ترین خریداران پوست‌های قره‌گل سرخس بودند. رویکرد آنان در تجارت به زیان تولیدکنندگان بومی بود، به طوری که کمیسر سرحدی سرخس و کلات وضعیت آنان را تأسفبار خواند. زارعان قراء سرخس مشغول پرورش گوسفند قره‌گل بودند و وضعیت آنان از نقطه‌نظر تجارتمندی و اقتصادی قابل توجه اولیای امور بود. مهم‌ترین پوستی که در سال ۱۳۱۴ش برای لباس و تزئینات مصرف می‌شد، پوست بره سیاه معروف به قره‌گل بود که صادرات عمده‌اش به اروپا، مخصوصاً لندن و آمریکا انجام می‌گرفت. قیمت هر عدد پوست قره‌گل در سال

۱۳۱۳ش به دلیل افزایش قیمت پوند به ۱۲۰ ریال و در سال ۱۳۱۴ش به دلیل تنزل قیمت پوند به ۵۰ ریال رسید.

در این سال‌ها به دلیل افزایش عرضه و تقاضا، به نگهداری گوسفند نژاد قره‌گل بیشتر توجه شد و باعث افزایش قیمت آن شد، به طوری که قیمت هر رأس قوچ قره‌گل از ۸۰۰ ریال تا سه هزار ریال و قیمت هر رأس میش قره‌گل از ۸۰ تا ۱۲۰ ریال رسید. عموماً وضع مالدارها ترقی کرد. ناحیه سرخس در سال ۱۳۱۳ش دارای ۸۰ هزار گوسفند و در ۳۰ دی ۱۳۱۴ش در حدود ۲۰۰ هزار رأس شد، ولی به نظر کمیسر سرحدی سرخس و کلات فواید این تولید و تجارت تنها در اختیار چند نفر تاجر یهودی تازه‌مسلمان و چند نفر تاجر معلوم‌الحال قاچاقچی بود که عامل و دلال همان یهودی‌ها و سایر اشخاص ذی‌نفع بودند و با عملکرد اقتصادی خود مالداران قره‌گل را مقروض می‌کردند. مالدارها هر کدام بشخصه از ۲۰ تا ۱۰۰ گوسفند داشتند که با شرکت همدیگر یک رمه تشکیل می‌دادند.

آنان باید گذران یک‌ساله خانواده را با منافع همین تعداد گوسفند تأمین می‌کردند. در این مناطق موقع زایش گوسفند قره‌گل از اول اسفند تا ۱۵ فروردین طول می‌کشید. طایفه مالداران از اول پاییز هر سال احتیاج به پول داشتند تا مایحتاج خانواده خود را تأمین کنند. آنان از اول اسفند هم باز محتاج به پول می‌شدند که برای عیال و اطفالشان لباس تهیه کنند. در این موقع بود که تاجر یهودی از مشهد به سرخس می‌آمدند یا چند نفر از کاسب‌های سرخس با پول و دستور آن‌ها شروع به خرید سلف پوست قره‌گل و پوست‌های دیگر و پشم می‌کردند؛ مثلاً، یک مالدار می‌دانست به تعداد گوسفندانش پوست قره‌گل خواهد داشت. ارزش پوست‌های او بستگی به خوبی و بدی جنس داشت که از قرار دانه‌ای پنج تا ۳۵ ریال طبق قبض خریداری می‌شد، به این شرط که نصف پول را به رسم مساعده و نصف دیگر را خریدار در موقع تحویل پوست بپردازد.

فروشنده در سند فروش ملتزم می‌شد کلیه پوست‌ها را در موقع معین به تاجر تحویل دهد. خریدار مظنه اصلی پوست را که در موقع تحویل از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال بود، از قرار دانه‌ای پنج تا ۴۰ ریال تعیین می‌کرد. مالدار هم چون قبلاً پولی به رسم مساعده گرفته بود، به اجبار پوست را به همان

قیمت به خریدار تسلیم می‌کرد. این معامله هر سال تکرار می‌شد (ساکما، ۱۸۲۹۱: ۰: ۲۴۰: ۷). نمونه‌ای از مساعدت تجار تازه‌مسلمان در سال ۱۳۱۳ ش گزارش شد که نزدیک به ۳۰۰ هزار تومان به صاحبان گوسفندان در سرخس دادند که صرف تربیت گوسفند و ترقی محصولات خود کنند (بهار، ۲۴ / ۷ / ۱۳۱۳ / ش ۱۶۶۷ / ۲).

تجار یهودی و عمال آن‌ها با این شیوه معامله منافع هنگفتی به دست می‌آوردند که از طرف گمرک سرخس حدود پنج میلیون ریال برآورد شد، ولی تنها حدود یک میلیون ریال را به مالدارها و دلال‌های واسطه می‌دادند. صورت خروج پوست و پشم از سرخس در سال ۱۳۱۴ ش طبق دفتر گمرک چنین بود:

| ردیف | نوع   | مقدار          | قیمت تقریبی  |
|------|---|----------------|--------------|
| ۱    | پشم   | ۱۶۶۵۵۳ کیلوگرم | ۶۷۶۸۷ ریال   |
| ۲    | پوست قره‌گل   | ۵۰۱۷۹ جلد      | ۲۳۵۹۱۴ ریال  |
| ۳    | پوست‌های متفرقه   | ۲۶۰۸۵ جلد      | ۳۸۳۸۲۰ ریال  |
| ۴    | پوست قره‌گل و پشمی که از قراء سرحدی یهودی‌ها بدون اطلاع گمرک به مرکز می‌بردند |                | ۱۵۰۰۰۰۰ ریال |
| ۵    |   | جمع کل         | ۴۹۱۹۷۳۰ ریال |

(ساکما، ۱۸۲۹۱ / ۰: ۲۴۰: ۷).

این رفتار تجار تازه‌مسلمان با دامداران سرخسی عادلانه نبود و سرخس موقعیت خوبی برای ارتقای کمیت و کیفیت تولید و صادرات پوست قره‌گل را داشت که باید از سوی نهادهای دولتی انجام می‌گرفت.

## ۶. راهکارهای حمایت از مالداران سرخسی



کمیسر سرحدی سرخس و کلات برای بهبود وضعیت مالداران قره‌گل براساس مشاهداتش راهکارهایی پیشنهاد کرد. او برای رفاه طایفه مالدار و تشویق آنها به ازدیاد این محصول مهم صادراتی و کوتاه کردن دست یهودی‌ها پیشنهاد داد فوراً شعبه بانک فلاحتی مشهد در سرخس دایر شود تا طایفه مالدار بتواند با سود، مختصری وجه در مواقع لازم دریافت کند و پوست قره‌گل و پشم را به موقع به دولت یا یک مؤسسه تجارتي داخلی به مظنه عادلانه روز بفروشد (همان). او علت اصلی سوءاستفاده تجار یهودی از مالداران سرخس را نبود شعبه بانک فلاحتی و صنعتی در آنجا و عدم مساعدت در این زمینه بیان کرد و تقاضای تأسیس شعبه آن بانک را داد. این گزارش به ستاد ارتش و سپس وزارت مالیه ارسال شد که اداره امور اقتصادی با بانک فلاحتی و صنعتی ایران برای تأسیس شعبه مذاکره کرد (ساکما، ۱۳۹۱/۰۲۴۰: ۲۰).

یکی دیگر از اقدامات عملی، ممانعت از فعالیت تجار تازه‌مسلمان در سرخس توسط امنیه بود. پیشنهاد کمیسر سرحدی منجر به جلوگیری از ورود تجار پوست قره‌گل به سرخس در آغاز سال ۱۳۱۵ش شد. تلگرف تجار یهودی به رئیس‌الوزراء در ۱۵ فروردین ۱۳۱۵ش به امضای یعقوب آقاجان‌زاده، شکرالله زر، حبیب‌الله سلیمان‌زاده، یعقوب موسی‌زاده، رحمت‌الله‌زاده، داود سلیمان‌زاده، لطف‌الله ابراهیم‌زاده، ابراهیم اسماعیل‌زاده، عزیزالله آقاجان‌زاده، مجید یعقوب‌زاده و موسی جوادزاده (همان: ۱۲) نشان می‌دهد که همگی آنان تاجر و تولیدکننده بودند. آنان مدعی بودند در موقع زه گوسفندان و جمع‌آوری محصول، بدون داشتن هیچ سوءسابقه و تقصیری و بدون رسیدگی توسط اداره امنیه جلب و زیر نظر مأموری به مشهد اعزام شدند. با اینکه آنان دارای خانه و عائله و ساکن مشهد بودند، در طی سال فقط در فصل زه گوسفند برای جمع‌آوری و سرپرستی از گوسفندان خود و خرید پوست به سرخس می‌رفتند و مجدداً مراجعت می‌کردند. تمام هستی آنها از نقد و نسیه و گوسفند اعم از دارایی شخصی و امانت تجار مشهد در داخل سرخس و خارج شهر بلامالک مانده بود و به جای تشویق در مقابل این خدمت اقتصادی، اسباب خسارت و از بین رفتن تمام هستی آنها شده بود. امنیه علت این امر را دستور مالیه با حکم مرکز اعلام کرد. آنان با هیچ سوءسابقه‌ای در دوائر دولتی علت چنین رفتاری را نمی‌دانستند و چون با قید

کفیل معتبر هم اجازه جمع‌آوری اموالشان داده نمی‌شد، تقاضا کردند تلگرافی به والی و شهربانی مشهد صادر شود تا به وضعیت آن‌ها رسیدگی و اجازه مراجعت برای ادامه جمع‌آوری و خرید پوست و رفع تعدی داده شود (همان: ۱۱ و ۱۲).

نظر کفیل اداره امور اقتصادی این بود که چون پوست قره‌گل در ایران فقط در سرخس به دست می‌آمد که یکی از انواع مرغوب پوست‌های بره بود و بازار خوبی در خارج داشت، لازم بود به مسئله توجه ویژه‌ای شود. به نظر این اداره برای تشویق مال‌داران و مولدان پوست قره‌گل و ازدیاد صادرات آن لازم بود مراقبت در تهیه و تولید آن به عهده شعبه‌ای از شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست در سرخس واگذار شود که با گرفتن تضمین لازم مساعدت‌های کافی به مال‌داران داده شود و از معاملات سلف بی‌نیازشان سازد. البته چون تعداد گوسفندان آن‌ها از ۲۰ تا ۱۰۰ رأس بود، به خوبی می‌شد وجوه پرداختی شرکت را تضمین کرد (همان: ۱۴ و ۱۵). شرکت سهامی گله‌داری نیز موظف شد درباره پرورش گوسفند قره‌گل به گله‌داران محلی مساعدت کند (همان: ۲۶). پاکروان، والی خراسان، نیز نوشته پس از ارتباط با سرخس به دلیل اجاره خالصه‌جات آنجا جداً در تشویق اهالی از هیچ کمک مادی و معنوی کوتاهی نکرده تا اینکه به تدریج تعدادی قره‌گل وارد شده و با میش‌های بومی جفت‌گیری کرده و رفته‌رفته تکثیر و تغییری در نژاد حاصل شود (ساکماق، ۱۱ / ۱۰۱۱۱۵).

#### ۷. تأسیس شرکت‌های تجاری و رقابت برسر پوست قره‌گل

یکی از عوامل ورود تجار به حوزه پرورش گوسفند قره‌گل، رونق تجارت و صادرات پوست و تشکیل شرکت‌های مختلف در این زمینه بود. شرکت پوست‌های نرم خراسان یکی از این شرکت‌های تخصصی بود. محمدولی اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس، در نامه ۱۵ آذر ۱۳۱۳ش به وزیر مالیه از مذاکره با تجار برای تشکیل شرکتی برای صدور پوست نوع قره‌گل یاد کرد که بالاخره پیشنهادی به امضای ۲۰ نفر از تجار ارائه شد (همان، ۹۹۱۳۵ / ۴). بعد از جلسات متوالی در ۲۴ خرداد ۱۳۱۵ش اعلام شد سهام شعبه خراسان در شرکت پوست‌های نرم که دو میلیون ریال بود،

تقریباً از طرف تجار مربوط خریداری شده و باید انتخاب هیئت مدیره شرکت انجام می گرفت (شهامت، ۱۳۱۵/۳/۲۴: ش ۵۸، ص ۸، ص ۱).

تجار مشهد علاوه بر شرکت سهامی پوست های نرم خراسان، شرکت های خصوصی نیز تأسیس کردند که به چالشی برای مال داران و تجار کوچک تبدیل شد. این عده از تجار خرد طی تلگرافی با عنوان تجار و کسبه سرخس در ۲۷ اسفند ۱۳۱۵ ش نقش تجار را در توسعه پرورش گوسفند قره گل سرخس نشان دادند. آنان مدعی بودند از چهل سال پیش در این حدود مشغول کسب و کار بودند و با تحمل زحمات طاقت فرسا موفق به تربیت نژاد گوسفند قره گل در این منطقه شدند که سابقه ای در این زمینه نداشت. آنان برای رعایت حال مال داران به قدر امکان در توسعه تجارت پشم و پوست کوشیدند و به اقتضای وضعیت محلی از اول سال لوازم و مایحتاج مال داران را به طور نقدی و جنسی برعهده می گرفتند و در آخر سال پشم و پوست از آنها دریافت می کردند و همراه پشم و پوست دسترنج خودشان به شرکت سهامی پشم و پوست مشهد می فروختند (ساکما، ۱۳۱۰/۰۶۸۰۱۵: ۳).

با اینکه پرورش دهندگان گوسفند قره گل برخی مواقع سال فروش و درآمد خوبی داشتند، ولی زندگی دامداری در برابر شرایط اقتصادی ناپایدارتر از کشاورزی بود؛ به همین دلیل بیشتر با مشکل مواجه می شدند؛ مثلاً، در اواخر سال ۱۳۱۵ ش که وضع معیشت مال داران سرخس رو به وخامت رفت، تجار و ملاکان از این شرایط سوءاستفاده کردند. طبق گزارش نهم دی ۱۳۱۵ ش با اینکه ارزاق عمومی قصبه سرخس خوب بود، ولی وضع ارزاق روستاها و به ویژه مال داران بسیار اسفناک بود؛ زیرا به هیچ وجه نمی توانستند گندم تهیه کنند و به دست آوردن آن تنها به قیمت خیلی گران با مبادله پوست قره گل آن هم به قیمت خیلی ارزان امکان پذیر بود (همان، ۱۳۱۷/۰۸۸۷۷۴: ۲۴).

با انتشار اخبار معامله غیرعادلانه تجار سرخس در فروش گندم و خرید پوست قره گل، کفیل حکومت سرخس از مشهد درخواست هرگونه مساعدت کرد. در این راستا از اداره آمار و ثبت احوال سرخس خواسته شد خیلی فوری نتیجه اطلاعات و تحقیقاتش را در این زمینه به طور کتبی تنظیم کند. شنیده ها حکایت از آن داشت که تجار و ملاکان مناطق سنگگرد، شوربچه، پسکمر،

نوروزآباد و شیرتپه گندم را به قیمت گزافی در مقابل پوست قره‌گل به قیمت ارزانی معامله کرده بودند. صالحی، نماینده آمار و ثبت احوال سرخس، در ۱۹ دی ۱۳۱۵ ش گزارش داد برخی از اهالی برای گندم و جو سرگردان شده‌اند، به طوری که راضی به خوردن نان جو شده بودند، ولی آن را هم به دست نمی‌آوردند. کسانی که گندم و جو داشتند، گندم را خرواری ۲۵ تومان نقد و ۳۰ تومان یا بیشتر از آن نسیه و جو را خرواری ۱۲ تومان نقد و ۱۵ تومان نسیه می‌دادند. مال‌داران برای حفظ جان خود و بچه‌هایشان حاضر به این‌گونه معامله‌های غیرعادلانه هم شده بودند، ولی فروشنده گندمی پیدا نمی‌شد و گندم‌داران تنها در قبال پوست قره‌گل حاضر به معامله بودند. حاجی گرامی، یکی از تجار سرخس، آشکارا به ملا قیصرعلی، کدخدای طایفه علی میرزایی، گفته بود گندم را تنها با پوست سلف می‌فروشد. او گندم را از قرار ۱۰۰ من برای چهار جلد پوست قره‌گل و جو را از قرار ۱۰۰ من برای دو پوست قره‌گل فروخت. نکته قابل تأمل در این شرایط، نقش عوامل حکومتی در مشهد و سرخس بود که وارد معامله سلف در پوست قره‌گل شدند. شرکت سهامی زراعتی سرخس که برای اجاره املاک خالصه سرخس تأسیس شده بود و یکی از انبارهایش در قوش عرب‌ها بود، از طریق مأموران‌اش با مال‌داران معامله سلف کرد. مأموران مستقر در سرخس گندم انبار شرکت سهامی زراعتی سرخس در قوش عرب‌ها را با طایفه علی میرزایی در برابر پوست قره‌گل معامله کردند (ساکما، ۱۳۸۷/۴۰: ۱۳-۲۱).

معاملات سلف‌خری آن‌ها ظالمانه بود؛ مثلاً گندم را به قیمت خرواری ۱۳۰ ریال تنها در مقابل شش جلد پوست قره‌گل نمره یک و جو را خرواری در مقابل سه جلد پوست قره‌گل که هر جلد آن تقریباً ۱۰۰ ریال ارزش داشت، معامله می‌کردند (همان، ۱۳۸۷/۳۱۰: ۳). تحقیقات کمیسر سرحدات سرخس و کلات در روز ۱۸ بهمن ۱۳۱۵ ش نشان داد کدخدای طایفه علی میرزایی تعداد ۸۹ جلد پوست با ۱۱۷۵ من گندم و ۱۷۲۵ من جو با حاجی گرامی، نماینده مستأجر خالصه‌جات معامله کرده است تا اعضای خانواده‌اش از گرسنگی تلف نشوند (همان: ۸). این شیوه معامله مورد اعتراض عوامل حکومتی در مشهد واقع شد و به طور جدی مسئله را بررسی کردند.

علاوه بر شرکت سهامی زراعتی سرخس تعدادی از تجار مشهد با محوریت میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا در صدد تأسیس شرکتی خصوصی برآمدند. دانش بزرگ‌نیا از تجار شاخص مشهد بود که در شرکت سهامی زراعتی سرخس نیز شراکت داشت، همراه با چهار نفر از تجار متمول مشهد در صدد برآمد با تشکیل شرکت خصوصی تجارتنی در سرخس تمام این حوزه اقتصادی را به‌طور انحصاری در دست بگیرند و مطابق میل خود با اهالی رفتار کنند. این اقدام با واکنش تجار و کسبه سرخس نظیر اسحاق زر، نظرعلی بخارایی، اسمعیل برهانیان، اصغرامین التجاری، عبدالله سلماسی، عباس رحیمی، سید ابوالقاسم فشاد، نیک‌بین و نیک‌زاده مواجه شد؛ زیرا با تشکیل شرکت خصوصی تجارتنی سرخس دانش بزرگ‌نیا مطالبات آنان از مال‌داران سرخس بلاوصول می‌ماند و راه کسب برای آنان مسدود می‌شد و مجبور به ترک منطقه می‌شدند؛ بنابراین، در ۲۷ اسفند ۱۳۱۵ش طی تلگرافی از رئیس‌الوزرا درخواست اجازه تأسیس شرکتی به نام شرکت تجارتنی سرخس متشکل از تجار محلی کردند. این شرکت می‌توانست با سرمایه سه میلیون ریال مشتمل بر هزار سهم تأسیس شود. این تجار تقاضا کردند، چون سرخس گنجایش تشکیل دو شرکت را نداشت و اقدام دانش بزرگ‌نیا برای مال‌داران و این تجاری که عمری در این زمینه تلاش کرده بودند، زیان‌بار بود به عرایضشان توجه شود (ساکما، ۱۵/۰۶۸۰۱۵/۳۱۰: ۵).

ورود تجارتخانه بزرگ‌نیا به تجارت پوست قره‌گل و اجاره املاک خالصه سرخس رقابتی در بین چهره‌های صاحب‌نفوذ خراسان ایجاد کرد که بر واقعه گوهرشاد نیز مؤثر واقع شد. در اوایل سال ۱۳۱۳ش که پاکروان تازه به‌عنوان استاندار وارد خراسان شد و اسدی نائب‌التولیه آستان قدس بود، پاکروان از او درباره بزرگ‌نیا پرسید که جواب داد: «این‌ها مردمان ناراحت، دورو و پول‌پرستی هستند». پس از اعدام اسدی در پی واقعه گوهرشاد در ۲۹ آذر ۱۳۱۴ش بزرگ‌نیا به خیال اداره خالصه‌جات سرخس افتاد و چون پاکروان موافق با او نبود، سرهنگ نوایی را تطمیع کرد که تو باید نائب‌التولیه شوی و به این صورت زمینه عزل نظام‌التولیه را فراهم کردند (آزادی، ۲۴/ ۱۳۲۱: ۲۰۵۱، صص ۲۰۱). تلاش‌های دانش بزرگ‌نیا برای دستیابی به املاک خالصه سرخس و تشکیل شرکت تجارتنی خصوصی برای تجارت پوست، گوشه دیگری از تلاش تجار مشهد را

در این حوزه جدید نشان می‌دهد. این تلاش‌ها با اخراج محمد دانش بزرگ‌نیا و برادرش علی صدرالتجار از مشهد به تهران در سال ۱۳۱۷ش ناتمام ماند.

با اقدامات تجار در زمینه پرورش گوسفند قره‌گل و رونق تجارت پوست، تعداد این نوع گوسفندان در سرخس مخصوصاً از سال ۱۳۱۱ش افزایش یافت و انتظار می‌رفت در سال ۱۳۱۸ش به حدود ۱۰۰ هزار جلد در سال برسد. بهای متوسط این نوع پوست در ایران از ۸۰ تا ۱۰۰ ریال و در بازار لندن بین ۱۸ تا ۳۰ شلینگ بود. در این زمان محصول پوست‌های بره خراسان (بخته) سالیانه ۳۵۰ هزار جلد تخمین زده می‌شد (آزادی، ۱۲/۰۳/۱۳۱۸: ش ۱۶۰۲، ص ۴).

تجارت پوست بره قره‌گل آنقدر سودآور بود که دربار پهلوی نیز در این حوزه سرمایه‌گذاری کرد و پس از مذاکره درباره خرید گوسفند قره‌گل از افغانستان در ۲۷ بهمن ۱۳۱۳ش، مجوز خرید و ورود ۳۰ رأس گوسفند شامل ۲۰ رأس قوچ و ۱۰ رأس میش صادر شد (ساکماق، ۱۱/۹۹۱۹۴). سپس با صرف ۷۲۹۰۰ ریال یک رمه ۱۰۲۰ رأسی تشکیل شد (همان، ۱۰/۱۱۳۴/۳۴). فعالیت پررونق پرورش گوسفند قره‌گل و تجارت پوست برای تجار مشهد و مالداران سرخس جذاب بود و این روند تا زمانی که خریدار خارجی در اروپا وجود داشت، ادامه یافت، ولی پس از شهریور ۱۳۲۰ش روند کاهشی به خود گرفت.

### نتیجه‌گیری

پوست یکی از کالاهای مهم صادراتی ایران در دوره قاجار بود و پرورش گوسفند قره‌گل با هدف تولید پوست مرغوب از اواخر دوره قاجار در سرخس رواج یافت. تغییر گرایش به نژاد قره‌گل به دلیل کیفیت و ارزش اقتصادی پوست بره آن بود؛ نژادی که ابتدا در اطراف بخارا پرورش می‌یافت، ولی انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه تأثیر مهمی در گسترش قلمرو جغرافیایی آن در سرخس ایران و شمال افغانستان داشت. برخی از گوسفندداران بخارا و ترکمن از ترس بلشویک‌ها به ایران و افغانستان متواری شدند و گوسفندان‌شان را در این مناطق فروختند. سرحدداران ایران ابتدا بر اهمیت این مهاجرت واقف نبودند و مالداران نیز تجربه چندانی در پرورش گوسفند قره‌گل

نداشتند؛ به همین دلیل تولید پوست بره قره‌گل در سرخس چندان رونق نگرفت و برخی از مالداران متواری از روسیه گوسفندانشان را به شمال افغانستان به‌ویژه مزار، شبورغان و اندخو انتقال دادند که به یکی از مراکز مهم پرورش قره‌گل تبدیل شد.

از دهه اول دوره پهلوی، به‌ویژه سال ۱۳۰۸ش بازار پوست آلمان در لایپزیک رونق گرفت و کارشناسانی چون یدالله خسروی با تحلیل این بازار پیشنهاد ترویج و تکثیر نژاد قره‌گل را مطرح و راهکارهایی برای آن توصیه کرد؛ از سوی دیگر، دولت افغانستان از سال ۱۳۱۰ش سیاست تجاری‌اش را تغییر داد و به‌طور مستقیم کنترل تجارت پوست قره‌گل افغانی را به‌دست گرفت. این اقدام از دو جهت به تجار ایرانی ضربه زد: از یک‌سو، محروم کردن تجار ایرانی از منافع این تجارت و از سوی دیگر، تنزل قیمت پوست قره‌گل افغانی؛ زیرا آنان تجربه و تخصص عمل‌آوری پوست را همچون تجار ایرانی نداشتند و کاهش کیفیت پوست آنان بر بازار پوست قره‌گل سرخسی اثر منفی گذاشت. در نتیجه این تحولات برخی تجار مشهد از سال ۱۳۱۰ش به پرورش گوسفند قره‌گل در سرخس تمایل نشان دادند و در این حوزه سرمایه‌گذاری کردند.

سرخس موقعیت مناسبی برای پرورش این نژاد داشت و تجار بزرگی چون حاج کاظم کوزه‌کنانی، حاج علی کازرانی، برادران امین‌اف، ابراهیم آقایی‌اف و تعداد دیگری از تجار تازه‌مسلمان به پرورش گوسفند قره‌گل و رمه‌داری روی آوردند. درحالی‌که خود ساکن مشهد بودند. علاوه بر این، تجار تازه‌مسلمان به‌عنوان خریداران اصلی پوست قره‌گل با مالداران سرخسی براساس سلف-خری رفتار می‌کردند و به آنان مساعده می‌دادند؛ معامله‌ای که بیشتر منافع تجاری آنان را تأمین می‌کرد. گزارش کمیسر سرحدی سرخس و کلات درباره وضعیت مالداران سرخسی باعث ارائه راهکارهایی برای بهبود وضع مالی آنان شد. او پیشنهاد تأسیس شعبه بانک فلاحتی و صنعتی، جلوگیری از سلف‌خری تجار جدیدالاسلام، واگذاری خرید پوست به شعب شرکت سهامی پنبه، پشم و پوست را داد؛ از سوی دیگر، اسدی نائب‌التولیه آستان قدس، و پاکروان، والی خراسان، از پرورش گوسفند قره‌گل حمایت کردند، به‌طوری‌که حتی املاک اختصاصی فریمان وابسته به دربار

رضاشاه نیز در این زمینه سرمایه‌گذاری کرد. این اقدامات باعث ازدیاد نژاد قره‌گل در سرخس تا اواخر دوره پهلوی اول شد.

ورود تجار مشهد به عرصه پرورش و تجارت پوست باعث رقابت جدی بین آنها شد. دانش بزرگ‌نیا که در شرکت سهامی زراعتی سرخس مشارکت داشت، در سال ۱۳۱۵ش تلاش کرد همراه چند تن از تجار مهم مشهد شرکت خصوصی تجارتی در سرخس تأسیس کند که با مخالفت تجار باسابقه و فعال در زمینه پوست قره‌گل سرخس مواجه شد. تجاری نظیر اسحاق زر و اصغر امین‌التجاری که در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده بودند، با تشکیل شرکت دانش متضرر می‌شدند؛ به همین دلیل از رئیس‌الوزراء درخواست اجازه تأسیس شرکت تجارتی سرخس توسط تجار فعال در زمینه تجارت پوست قره‌گل را خواستار شد. سرمایه‌گذاری و رقابت تجار مشهد در زمینه پرورش گوسفند قره‌گل تا جنگ جهانی دوم که بازار پوست در اروپا رونق داشت، ادامه یافت و سپس راکد شد.

## منابع

- احتشام کاویانیان، محمد (۱۳۵۵)، *شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس، مشهد: آستان قدس*.
- *اسناد روابط ایران و شوروی (در دوره رضا شاه/ ۱۳۰۴-۱۳۱۸ هـ ش)* (۱۳۷۴)، به‌کوشش محمود طاهر احمدی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- جمال‌زاده، سید محمد علی (۱۳۳۵)، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، برلین: کاوه.
- فتحی، نصرالله (۱۳۵۲)، *زندگی‌نامه شهید نیک‌نام تقه‌الاسلام تبریزی ۱۲۷۷-۱۳۳۰ هجری؛ و بخشی از تاریخ مستند مشروطیت ایران*، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.

## مقالات و پایان‌نامه‌ها



- حسینی، سید رحمان (۱۳۸۸)، «نگاهی به تجارت پوست میان ایران و روس در عصر قاجار (برپایه اسناد وزارت خارجه ایران؛ ۱۲۴۳-۱۳۲۷ق. / ۱۸۲۸-۱۹۰۹م.)»، فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۷۳، صص ۴۹-۵۴.
- حسینی ابریشمی، عبدالرضا (۱۳۵۴)، مطالعه وضع پرورش و صنایع گوسفند در منطقه مشهد و اطراف آن، پایان‌نامه دکترای دامپزشکی، دانشگاه تهران.

#### روزنامه‌ها

- روزنامه آزادی، ۱۲/۰۳/۱۳۱۸، ش ۱۶۰۲.
- \_\_\_\_\_، ۲۴/۰۴/۱۳۲۱، ش ۲۰۵۱.
- روزنامه بلدالامین، ۲۷ صفر ۱۳۲۸، ش ۶.
- روزنامه بهار، ۰۹/۰۸/۱۳۰۸، ش ۵۶۰.
- \_\_\_\_\_، ۲۴/۰۷/۱۳۱۳، ش ۱۶۶۷.
- روزنامه حقایق شهریور، جزوه ۸، ۲۰۴.
- روزنامه شهامت، ۲۴/۰۳/۱۳۱۵، ش ۵۸، سال هشتم.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۲۷۰، ش ۱۸۶، ص ۲.

#### اسناد

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۰۸ش: کارتن ۲۶، پوشه ۵۲ و ۱۳۰۴ش: کارتن ۳۸، پوشه ۴۷/۶۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۴۰/۰۱۸۲۹۱
- \_\_\_\_\_ ۲۴۰/۰۸۸۷۷۴
- \_\_\_\_\_ ۳۱۰/۲۵۲۴۶
- \_\_\_\_\_ ۳۱۰/۴۸۳۸۸
- \_\_\_\_\_ ۳۱۰/۰۶۸۰۱۵
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)، ۷۵۶۸: ۱.

\_\_\_\_\_ - :۸۱۱۴۷ .۱

\_\_\_\_\_ - :۹۹۱۳۵ .۴ و ۹ و ۱۰

\_\_\_\_\_ - :۹۹۱۹۴ .۷ و ۱۱

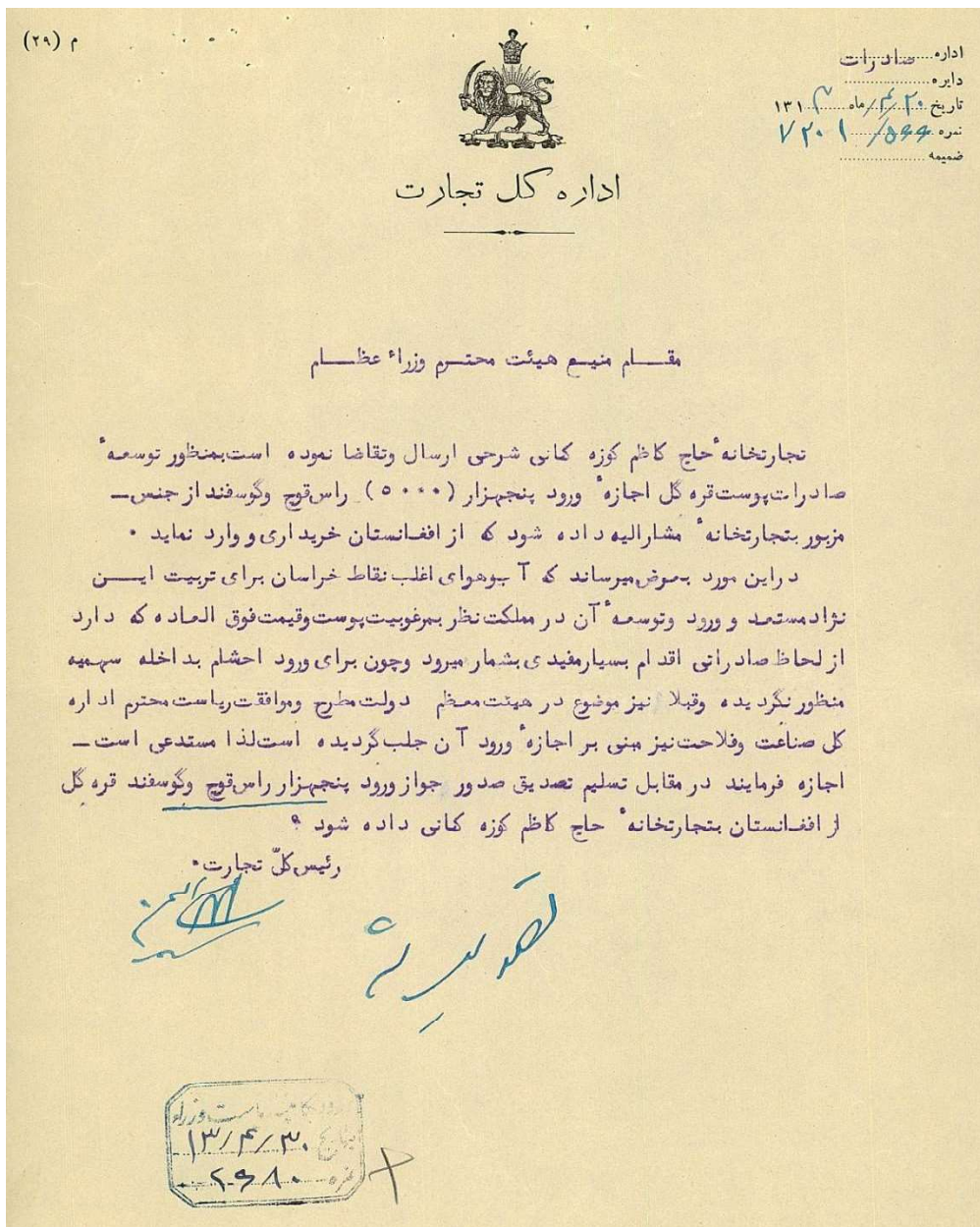
\_\_\_\_\_ - :۱۰۱۱۱۵ .۸-۷ و ۱۲-۱۰ و ۲۴

\_\_\_\_\_ - :۱۰۱۱۳۴ ۳۴

\_\_\_\_\_ - :۱۰۲۴۹۲ .۳-۵

### پیوست‌ها

پیوست (۱): موافقت با درخواست کوزه‌کنانی مبنی بر ورود ۵۰۰۰ رأس قوچ و گوسفند قره‌گول



(منبع: ساکما، ۳۱۰/۳۱۰۴۸۳۸۹)



پیوست (۲): درخواست اجازه تجار سرخس برای تشکیل شرکت سهامی سرخس

جمهوری ایران  
کتابخانه ملی و موزه اسناد ملی  
وزارت پست و تلگراف و تلفن  
تلگراف

نمونه ۳۶۵  
شماره کتاب ۱۱۷۵

|            |            |     |         |              |             |                  |                     |
|------------|------------|-----|---------|--------------|-------------|------------------|---------------------|
| اسم گیرنده | تاریخ وصول |     | توضیحات | تاریخ<br>اصل | عدد<br>کدات | شماره قبض<br>۱۲۱ | شماره تلگراف<br>۴۱۳ |
|            | روز        | ماه |         |              |             |                  |                     |
|            | ۱۲         | ۱۷  |         | ۲۷           |             |                  |                     |

بسم الله الرحمن الرحیم در این خصوص که در تاریخ ۱۳۱۰/۱۰/۲۵ به موجب سند شماره ۱۲۱ مورخه ۱۳۱۰/۱۰/۲۵ در شهر مشهد در میان آقایان ... (نام‌ها) ... و سایر ... (نام‌ها) ... تشکیل شد و در آن سند ... (محتوا) ...

و این شرکت در شهر مشهد در خیابان ... (نام خیابان) ... واقع گردید و در آنجا ... (محتوا) ...

و این شرکت در شهر مشهد در خیابان ... (نام خیابان) ... واقع گردید و در آنجا ... (محتوا) ...

و این شرکت در شهر مشهد در خیابان ... (نام خیابان) ... واقع گردید و در آنجا ... (محتوا) ...

و این شرکت در شهر مشهد در خیابان ... (نام خیابان) ... واقع گردید و در آنجا ... (محتوا) ...

(منبع: ساکما، ۳/۶۸، ۱۰/۳۱۰)